

# مسائل تعاونیهای مصرف

در کشورهای در حال توسعه

ر. لوئیس،

ترجمه: محمد محقق

در فاصله ۲۳-۲۱ مارس ۱۹۷۴ سمپوزیومی بوسیله «اتحادیه» های بین‌المللی کارگران شاغل در بخش تجارت» تحت عنوان «اصول ساخت، سازمان و فعالیت های تعاونیهای مصرف» در بخارست، پایتخت رومانی تشکیل شد، که آقای ر. لوئیس، کارشناس بخش تعاون دفتر بین‌المللی کار از جانب این سازمان در آن شرکت کرد. مقاله حاضر ترجمه سخنرانی نامبرده در این سمپوزیوم است. ۲.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دگرگونی شرایط یک کشور یا یک منطقه بستگی تام به عوامل اقتصادی و سیاسی آن کشور یا آن منطقه دارد. دگرگونی اندرینجی یک کشور، که خود معلول عوامل اقتصادی و سیاسی است، گاهی سبب دگرگونی و تغییرات اساسی در ساخت سازمانهای تعاونی و فعالیت آنها می‌شود.

لازم به یادآوری است که فقدان آمارهای درست و کامل درباره کشورهای در حال توسعه، موجب می‌شود نتوانیم چهره واقعی و موقعیت آنها را نشان دهیم. بهمین جهت، «اتحادیه بین‌المللی تعاون» تصمیم گرفت یک مرکز تحقیقاتی برای تعاونیهای کشورهای در حال رشد دایر کند. دفتر بین‌المللی کار و نهضت

1- R. Louis

۲- این مقاله از متن چاپ شده سخنرانی مزبور در مجله زیر به فارسی ترجمه شده است.

Cooperative Infomatians, 197414

تعاونی لهستان و مجارستان از این اقدام اتحادیه بین‌المللی تعاون حمایت کرده‌اند و از کمک‌های لازم به آن دریغ نمی‌کنند. با توجه به آنچه گفته شد، امید است در حد امکان با استفاده از امکانات سازمانهای متعددی چون اتحادیه‌های بین‌المللی کارگران شاغل در تجارت بتوانیم به تشریح وضع کلی تعدادی از این کشورها پرداخته و با توجه به زمان، برنامه‌ای ارائه دهیم که موجب بهبود شرایط زندگی قسمت اعظم جهان شود.

در این بررسی، مسائل زیر که مربوط به کشورهای در حال رشد است مورد بحث و امعان نظر قرار خواهد گرفت:

- تاریخچه تعاونیهای مصرف و شرایط کنونی آنها با رعایت بیطرفی کامل.
- مشکلات عمده‌ای که در توزیع کالاهای مصرفی وجود دارد و تأثیر مستقیم آن در ساخت نهضت تعاونی و نقش تعاونیهای مصرف.
- مشکلات درونی، مدیریت و توسعه، شرکتها، اتحادیه‌ها، و فدراسیون‌های تعاونی.

- سرانجام اقدامات و کوشش‌هایی که در سال‌های گذشته برای حل مسائل و مشکلات به عمل آمده. کوشش‌هایی که ما را متقاعد می‌سازد راه نوری را برای بخشی از نهضت تعاونی در کشورهای که میخواهند نقشی را که شایسته تعاونیها است و به حقوق حقه آنها در توزیع کالاهای مصرفی مربوط می‌شود، پی‌ریزی نماییم.

### چارچوب تاریخی و موقعیت کنونی

از نظر تاریخی، بایستی تمایزی بین جنبش تعاونی در کشورهای آفریقائی، آسیائی و آمریکای جنوبی (باستثنای آمریکای مرکزی) قائل شد. تعاونیها در آمریکای جنوبی زودتر و پیش‌تر پایه‌عرضه حیات گذاشته‌اند، تا در کشورهای آسیائی و آفریقائی (مکزیک ۱۸۷۶، آرژانتین ۱۸۷۸، برزیل ۱۸۸۴، اوروگوئه ۱۹۰۲، و شیلی ۱۹۰۴). این تعاونیها، بوسیله مصرف‌کنندگان بنیان‌گذاری شدند. بیشتر آنها تحت تأثیر اعضاء «روشنفکری» بودند که دنبال‌رو افکار رابرت اوون<sup>۳</sup> و سایر پیشگامان تعاونیهای اروپائی بوده‌اند. حتی در بعضی موارد این نوع سازمانها قبل از آنکه به تصویب قوه مقننه برسند و به صورت یک مؤسسه حقوقی شناخته شوند بوسیله دولت رواج داده شده‌اند. بطور کلی، اولین مرحله توسعه تعاونیهای مصرف در جهان بین سالهای ۱۸۷۱-۱۸۳۰ بوده است. در خلال این مدت تعاونیهای مصرف در سرتاسر اروپا و آمریکای شمالی به وجود آمدند. دومین مرحله توسعه تعاونیها بین سالهای ۱۸۹۰-۱۹۳۰

بوده است. از وجوه مشخصه این دوره ایجاد «سازمان تعاونیهای منطقه اروپا» در سطح فدرال، و ظهور چنین سازمانی در آمریکای جنوبی است. حقیقت این است که تعاونیهای مصرف در آمریکای جنوبی قدمت زیادی دارند و یکی از دلایل توسعه و گسترده‌گی تعاونیهای مصرف در این کشورها همین قدمت است، اما این را تنها و مهمترین عامل نمی‌توان شمرد.

بهرحال بااستثناء آرژانتین که تقریباً ۱۳۰ سازمان تعاونی با سرمایه‌ای بالغ بر ۹۳۴ میلیون پزو و مازادی برابر ۴۹۵۹ میلیون پزو دارد، هنوز نمی‌توان گفت که در آمریکای جنوبی این شکل از تعاونی نقش عمده و مهمی در توزیع کالاهای مصرفی ایفا می‌نماید. آمارهای اخیر نشان می‌دهد که تعداد و اعضاء شرکت‌های تعاونی در کشورهای مختلف این قاره (نظیر اکوادور) به سرعت در حال افزایش است.

در آسیا و حوزه اقیانوس آرام، اولین تعاونیهای مصرف بعد از جنگ جهانی اول پایه‌عرصه حیات نهادند. (سیلان ۱۹۲۷، فیلیپین ۱۹۲۸). در بیشتر نقاط شروع کار با موفقیت همراه بوده است. توسعه واقعی این بخش تعاونی در خلال و بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) به منظور حل مشکلات عظیمی که در نتیجه محاصره و قطع ارتباط و... بوجود آمده بود صورت گرفت، وضعی که منجر به افزایش مداوم قیمت‌ها و کاهش کیفیت کالاها در خردفروشی گشت. ناتوانی دولت‌ها در حل این مشکلات به وسیله کنترل قیمت و جیره‌بندی، آنها را واداشت تا به فکر ایجاد و توسعه تعاونیها بیفتند زیرا این سازمانها از نظر فنی و مالی به آنها کمک‌های ارزنده‌ای می‌کرد تا به مردمی که در شرایط ناگوازی بودند کمکی نمایند.

اقدامات فوری در آن زمان و در طول بحران‌های بعدی بوسیله قدرت‌های حاکمه صورت گرفت که می‌توان آنها را با ماهیت و دیدگاه مشابهی که در آغاز قرن برای بخش دیگری از تعاون مورد قبول واقع شده و به کار گرفته شده بود، مقایسه نمود. و این مقارن است بازمانی که نهضت تعاونی به شکل تعاونیهای پس‌انداز و اعتبار وارد آسیا شد، تا به روستانشینان، زارعین، و کارکنان صنایع دستی، که با فقر دست به‌گریبان بودند و بهره‌وری کارشان (بازده) در سطح نازلی قرار داشت یاری رساند. حدود ۵۰ سال بعد تعاونیهای مصرف بهمان گرمی تعاونیهای پس‌انداز و اعتبار، از طرف مردم استقبال شدند. تعاونیهای مصرف نقش خیلی مهمی در توزیع کالاهای مصرفی بین سالهای ۱۹۵۰-۱۹۴۰ داشته‌اند. باید اضافه کرد که این تعاونیها بعداً به کرات متضرر شده‌اند و در حال حاضر نه قادرند با بخش خصوصی بر رقابت بپردازند و نه برای



به عهده گرفتن فعالیت‌های خردفروشی هدایت شده‌اند. جدول شماره ۱ موقعیت کنونی آنها را در بعضی از کشورها نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱

سال	کشور	تعداد شرکت تعاونی	تعداد اعضا
۱۹۷۲	بنگلادش	۴۸۰	...
۱۹۷۲	برمه	۳۵۶	...
۱۹۷۱	فیجی	۱۸۹	۱۸۰۰
۱۹۷۲	هند	۱۳۱۵۴	۳۰۰۰۰۰
۱۹۷۳	مالایزیا	۴۸	۳۰۰۰۰۰
۱۹۷۱	پاکستان	۴۰۲	۵۵۳۷۷
۱۹۷۲	فیلیپین	۷۲۹	...
۱۹۷۱	سنگاپور	۱۶	۲۹۹۰
۱۹۶۱	سریلانکا	۴۵۱۳	۹۳۵۴۷۹
۱۹۶۹	تایلند	۸۴	۸۵۷۲۴

هرچند که سرمایه بعضی از این شرکتها ارقام قابل توجهی را نشان می‌دهد، معیناً هنوز نمی‌توان گفت که آنها برای برآوردن بخشی اساسی نیازهای میلیون‌ها نفر از مردمی که می‌توانند از خدمات تعاونیهای مصرف استفاده کنند، کافی هستند. اولین تعاونیهای مصرف در آفریقا، مانند آسیا، بعد از جنگ جهانی اول و در خلال دهه‌های بعد از جنگ سازمان یافتند. (سنگال ۱۹۱۶، مراکش ۱۹۲۲، کامرون ۱۹۲۴، نیجریه ۱۹۳۰، نیجر ۱۹۲۶). در آغاز آنها به وسیله و یا برای مردم عادی سازمان نیافتند. در کشورهای متأثر از فرانسه سازمان‌های Stp ۵ در توزیع و انبار خواروبساز در مناطق روستائی و بیشتر در مراکز شهری که خیلی بزرگ نبودند نقش اساسی داشته است. هرچند، گاهی این سازمانها به طریق دموکراتیک اداره نمی‌شدند و درنحوه عملکرد آنها تردیدهایی وجود دارد، معیناً بمدت نیم قرن برای کاستن تأثیرات شدید خشکسالی بمردم کمک کردند. اما واقعیت اینست که آنها همیشه قادر نبودند

۴- این ارقام از آمارهای سازمان بین‌المللی کار، بررسی‌ها و مطالعات تعاونی و یا مجلات منتشره در این کشورها بدست آمده‌است.

#### 5- Native Provident Societies

از قحطی در غالب مناطق دور دست ممانعت به عمل آورند. بطورکلی در کشورهای انگلیسی زبان شرکت‌های تعاونی بعد از جنگ جهانی دوم سازمان یافتند. (سیرالئون و موریتوس ۱۹۴۷، اوگاندا ۱۹۵۰، زامبیا و بوتسوانا ۱۹۵۷).

در آفریقا مانند اکثر کشورهای در حال رشد قاره‌های دیگر، تعاونیهای مصرف پس از مشکلات آغازی، مرازت‌های شدیدی را متحمل شدند و روبه قهقرا و حتی به کلی ازهم پاشیده شدند. لازم به یادآوری و تاکید است که بیشتر این تعاونیها تا سال‌های اخیر به صورت «بسته» و مخصوص طبقه یا طبقات خاصی باقی مانده‌اند. یعنی به وسیله و برای کارمندان دولت به وجود آمده‌اند، که نسبت به دیگر طبقات از امتیازات خاصی برخوردارند. این شرایط در مورد مصر و متحد معینی سودان مصداق ندارد. در مالی وضع بازم فرق می‌کند. در این کشور تعاونیها در نتیجه تصمیمات سیاسی دولت نقش مهمی را در توزیع کالاهای عمده مصرفی به عهده گرفته‌اند. در خاور نزدیک و میانه، سابقه و عمر تعاونیهای مصرف بیش از هر جای دیگری کوتاه است. در این مورد ترکیه مستثنی است. در این کشور اولین تعاونی انگلیس به سال ۱۸۸۸ در استانبول بوجود آمد. اما این مورد کاملا استثنائی است و نمی‌تواند در شروع این بخش از تعاونی در کشور مذکور قابل ملاحظه باشد. در عراق و قبرس اولین تعاونیهای مصرف به ترتیب در سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ به وجود آمدند، ولی گسترش آنها سریع نمود. در ایران و سوریه آغاز فعالیت این تعاونیها به ترتیب در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۵۵ ثبت شده است. سرانجام باید گفته شود که تا سال ۱۹۶۱ این سازمانها در عربستان سعودی تشکیل نشده بودند. در این کشور، تعاونی‌های روستائی اولیه در دو زمینه مصرف و خدمات فعالیت داشتند. در افغانستان و لبنان هم در سال ۱۹۶۷ پایه‌عرصه حیات نهادند. در سایر کشورهای شبه-جزیره عربستان (عمان، بحرین، مسقط، امارات متحده عرب، قطر)، این سازمانها از سال ۱۹۷۰ شروع به فعالیت نمودند.

در این ناحیه، عوامل متعددی در بوجود آمدن تعاونیهای مصرف دخیل بوده‌اند: از جمله کوشش متفق دولت‌ها و اتحادیه‌های تجاری، درباره کشورهای ایران، لبنان و کویت این مورد بیشتر صدق می‌کند.

قبرس در این میان وضعی استثنائی دارد. تعاونیهای مصرف این کشور نقشی اساسی در اقتصاد ملی دارند. بطوریکه در سال ۱۹۷۳، ۸۳٪ توزیع کالا-های مصرفی در مناطق روستائی و ۳۷٪ توزیع همین نوع کالاها را در مناطق شهری به عهده داشته‌اند. اتحاد و اتفاق تمام بخش‌های نهضت تعاونی، از جمله فدراسیون ملی، بانک تعاونی، بی‌نیازی مالی و عدم کسب وام و یا هر نوع قرضه از مؤسسات خصوصی، و توانایی بنیانگذاران این سازمانها در جلب بخشی از ذخایر تعاونیهای پس‌انداز به منظور رفع نیازهای مالی (آنچنان که

در سال ۶۷-۱۹۶۶ توانستند ۱۵۰۰۰۰۰ لیره قبرسی از این سازمانها کسب نمایند، همه عواملی هستند که موجب این پیروزی گشته‌اند. آنچه آمد تصویر ناقصی است از آنچه که وجود دارد، و فقط بیان کننده چند نتیجه خیلی کلی بشرح زیر می‌باشد:

- بطور کلی، تعاونیهای مصرف در کشورهای در حال رشد، تنها در شمالیهای اخیر رشد کرده‌اند (هرچند يك نمونه از این تعاونیها از سال ۱۸۷۶ در مکزیک شروع به کار نمود). نمونه‌های فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد رشد بعدی این سازمانها مرهون جنگهای جهانی و یا استقلال بوده است. هم‌اکنون کشور-هائی وجود دارند که این بخش تعاونی در آن کشورها فاقد نماینده است.

- ابتکار و کمک دولت در تشکیل و ادامه حیات این سازمانها نقش قاطع داشته است.

- توزیع آنها هنوز خیلی ناقص است و شماره اعضاء این تعاونیها بطور کلی نسبت به جمعیت کشور و یا حتی نسبت به جمعیت شهر نشین فوق‌العاده ناچیز می‌باشد.

- بطور متوسط شماره اعضاء تعاونیها خیلی کم است و به‌ندرت از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تجاوز می‌کند (باستثنای مصر و مالزی). غالباً تعداد اعضاء این شرکتها از ۱۰۰ نفر پایین‌تر است و سهم سرمایه ذخیره و کل فروش نسبت به هر عضو خیلی ناچیز می‌باشد.

- تاکنون، فقط در هنگام بحرانهای اقتصادی، اینگونه تعاونیها مزیت خود را نشان داده‌اند. در هر حال حاضر، در کشور معینی فعالیت آنها رو به افزایش است.

- نظام تعاونی کشورهای در حال رشد اقتباسی است از نظام و سیستم غالب در تعاونیهای اروپا و آمریکای شمالی، بدون اینکه این نظام یا سیستم با شرایط محلی و خصوصیت ذهنی و فکری ساکنین این کشورها انطباق داده شده باشد. بهر حال مطالعاتی که در زمینه تعاونیهای کشورهای در حال رشد به‌وسیله تعاونگران و یا نظریه‌پردازان این کشورها صورت گرفته بسیار اندک است. در آمریکای لاتین از سال ۱۹۵۰ به‌بعد و در آسیا از سال ۱۹۶۰، در این زمینه آثار کمی به‌وجود آمده است، در حالیکه عملاً در آفریقا هنوز کاری در این مورد صورت نگرفته است. در این‌جا این مسأله مطرح است که آیا اندک بودن کتب و مطالعات در مورد تعاونیهای مصرف نشانه شک و تردیدی است که درباره این نظام یا سیستم وارداتی بین روشنفکران و نظریه‌پردازان و در نهایت بین مردم این کشورها وجود دارد؟

- مردم این کشورها جزء فقیرترین مردم دنیا محسوب می‌شوند و هنوز شرایط زندگی آنها به‌مقیاس وسیعی با شرایط زندگی پیشگامان که خود



مشکلات خویش را دریافته بودند مشابهت دارد. به نظر می‌رسد که سه جواب در مورد مسأله فوق وجود دارد:

الف - «مدل» هائیکه در طول ۵۰ سال گذشته باین کشورها صادر شده و یا وارد این کشورها شده خیلی مشکوک به نظر می‌رسند. بزرگترین مشکل کسانی که این «مدل‌ها» برای آنها تهیه شده درک و فهم این مسائل است.

ب - این مدل‌ها به صورت «پاره مدل» یا «پاره طرح» تهیه شده‌اند و مانند «اصول را جدیل» شمولیت لازم را ندارند و در آنها به افراد معینی که معمولاً دارای امتیازات خاصی هستند توجه شده است. به عبارت دیگر این طرحها ویژگی‌های «یک طرح واحد اقتصادی» را که تمام افراد مردم مورد نظر آن هستند، ندارند.

ج - بسیاری از مشکلات کنونی کشورهای در حال رشد، در توزیع کالا-های عمده مصرفی بامشکلاتی که بنیانگذاران اولین تعاونیهای مصرف روبرو بودند، کاملاً فرق دارد.

### توزیع کالاهای مصرفی

با وقوع انقلاب صنعتی در اروپا بیکاری رواج یافت. دستمزدها تنزل کرد و فقر غذایی (از نظر کیفی) ظاهر شد. در برابر چنین وضعی کارگران و سایر طبقات محروم شهرها به پا خواستند و به چاره اندیشی نشستند. تعاونیهای مصرف اروپایی در نتیجه واکنش این طبقات جهت تخفیف بحران به وجود آمدند. بنیادهای اجتماعی آن‌زمان در نتیجه اهمیت یافتن سرمایه‌داری و دستاوردهای عظیم و شگفت‌انگیز علمی و فنی خیلی سریع‌تر و عمیق‌تر نسبت به تغییرات و دگرگونیهای نیمه دوم قرن بیستم، که متأثر از عوامل سیاسی بودند، دگرگون شد.

هدف تعاونیهای مصرف این بود که کالاهای عمده مصرفی را با حداقل قیمت ممکن در اختیار اعضا خود قرار دهند. علیرغم تعقیب چنین هدفی تعداد اعضا در سطح نازلی باقیماند، زیرا رشد شهر نشینی تازه آغاز شده بود

امروزه تمامی شرایط فوق در کشورهای در حال رشد وجود ندارد زیرا کشورهای در حال رشد منطقه بسیار وسیعی را نسبت به زادگاه تعاونیهای مصرف (کشورهای اروپایی) تشکیل می‌دهند. از طرفی تغییرات اقلیمی که موجب ظهور ناپسمانی‌های آن‌زمان در اروپا گردید بسرای ماناشناخته است.

۶- تشکیل و ایجاد تعاونیهای، بسلاخص تعاونیهای مصرف راه حل نهایی این بحران نبود. فقط عده معدودی معتقد بودند (یا شدند) که می‌توان با این چاره‌جویی خود را از نتایج بحران برهانند. هم‌اکنون بسیاری از مردم خصوصاً روشنفکران جوامع مختلف این راه حل را قبول ندارند و معتقد به راه‌های دیگری هستند. م.

عوارض این نابسامانیها بمراتب شدیدتر از قحطی‌هایی بود که در قرن نوزدهم در اروپا روی داد. عوامل متعدد دیگری در دوگانگی شرایط حاکم کشورهای اروپایی آنزمان و کشورهای در حال رشد امروزی دخالت دارند که اهم آنها عبارتند از: امکانات، خصوصاً ارتباطات چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی در اروپای صدسال پیش که هم اکنون در مرحله پیشرفته‌ای است بسیار محدود بوده است.

حتی تشکیلات دولتی کشورهاییکه اخیراً با استقلال رسیده‌اند (باستثنای آمریکای لاتین) کامل نیستند.

انفجار جمعیت در مناطق شهری و روستایی کشورهای در حال رشد یک پدیده بی‌سابقه است که مسائل و مشکلات خطرناکی بوجود آورده و یا خواهد آورد.

آهنگ توسعه صنایع بزرگ در کشورهای در حال رشد خیلی کمتر از اروپای آخر قرن نوزدهم است. فقدان سرمایه ملی تولید مواد خام، تأکید بر صنایع کوچک نظیر بافندگی، و عدم وجود صنایع بزرگ، موجب می‌شوند که این کشورها از نظر زمانی لااقل یک قرن عقب‌تر از کشورهای پیشرفته امروزی قرار بگیرند. نسبت مهاجرت جمعیت از روستا به شهر در این کشورها خیلی بیشتر از اروپای نیمه دوم قرن نوزدهم است. بیگاری و بیگاری پنهان در شهر و روستا در سطح خیلی بالاتری قرار دارد.

— از طرفی تجارت خرده‌پا نسبت به اروپای آنزمان رواج بیشتری یافته و افرادی که به خدمت تجارت جزئی و خرده‌فروشی و دوره‌گردی درآمده‌اند خیلی بیشتر از اروپای آنزمان است. در نتیجه چنین وضعی تضادهای اجتماعی سریع‌تر رشد می‌کنند، قیمت‌ها بالا می‌رود و زمینه برای سودجویی بیشتر از فقرا را ممکن می‌سازد. یعنی عده‌ای به خرج فقیرترین مردم، با گران‌فروشی ثروتمند می‌شوند.

— معاملات تجاری غالباً به صورت غیررسمی صورت می‌گیرد، زیرا عملاً از طریق قانونی غیر قابل اجراست.

— تعدد لجه‌های محلی و مابینت آن با زبان رسمی، مبارزه با بیسوادی و فراهم ساختن هر نوع امکان آموزشی را مشکل می‌سازد.

— وفاداری افراد به خانواده و گروهی که به آن تعلق دارند هنوز خیلی قوی‌تر از آن چیزی است که در اروپای قرن نوزدهم وجود داشته است. «پیشرفت عمومی» نه تنها از ساخت‌های اجتماعی کهنه و قدیمی تأثیر نپذیرفته بلکه این سؤال مطرح می‌شود که آیا باید ساخت‌های کهنه و قدیمی را دگرگون و نابود سازد؟ افکار و عقاید سرعت و به‌آسانی، آنطور که انتظار می‌رود دگرگون نمی‌شوند.



- نظام اقتصادی خارجی در تپی و فقیر کردن مصرف کنندگان این کشورها نقش مهمی دارد. بوسیله شبکه‌های وسیع بازاریابی و تبلیغات انگیزه‌های قدرت کاذب برای خرید در مردم وجود می‌آورند. در نتیجه چنین وضعی آنها بدون اینکه احتیاج داشته باشند برای بدست آوردن کالاهای جورواجوری از قبیل دوجرخه، رادیو، و... زیربار قرض می‌روند. رهبری و هدایت این عملیات معمولاً به وسیله شرکت‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد هرروز شیوه‌های نووی که زاده اقتصاد پولی است برای غارت مصرف کنندگان این کشورها وارد می‌شوند. چنین شرایطی حتی در اروپای ۳۰ سال پیش وجود نداشته است. با توجه به تهدیدی که از جانب سوداگران بین‌المللی متوجه مصرف کنندگان این کشورها می‌باشد، بایستی اقدامات عاجلی برای حفظ آنها به عمل آید.

- توسعه وسایل ارتباطی، تمام سازمانهای مسئول راجه دولتی و چه غیر دولتی قادر می‌سازد خیلی سریع‌تر و به نحو شایسته‌تر از مشکلات و معضلات مطلع شوند و به مقابله با آن برخیزند، در حالیکه چنین شرایطی در اروپای آخر قرن نوزدهم وجود نداشت.

مشکلات دیگری را می‌توان باین فهرست افزود. هنگامیکه اتفاقاتی چون سیل و خشکسالی روی می‌دهند و تعداد بیشماری از مردم بی‌چیز که حتی فاقد غذا و پوشاک هستند در معرض خطر و نابودی قرار می‌گیرند، برای کمک بدانها بشدت احساس تنهایی و درماندگی می‌کنیم. زیرا علیرغم کمک‌های سخاوتمندانه‌ای که ممکن است پیشنهاد شود، به علت فقدان سازمانی که بتواند این کمک‌ها را در اختیار نیازمندان قرار دهد، یاری به قربانیان چنین بلائی‌ها غیرمقدور می‌شود.

هنگام بررسی مشکلات روزانه تعاونیهای مصرف در توزیع محصولات مصرفی، نباید انواع دیگر تعاونیها خصوصاً تعاونیهای روستائی را که نقش اساسی در مناطق روستائی دارند نادیده بگیریم. زیرا اکثریت جمعیت کشور- های در حال رشد هنوز در مناطق روستائی زندگی می‌کنند. بسیاری از تعاونیهای کشاورزی و همیسن طور تعاونیهای چند منظوره روستائی در عملیات توزیع کالاهای مورد نیاز روستائیان شرکت دارند. همه آنها ممکن است کشاورز نباشند اما بهر حال در روستا زندگی می‌کنند. از این نوع تعاونیهای چند- منظوره در کشورهای در حال رشد فراوان دیده می‌شوند. به عنوان مثال در بنگلادش ۴۰۰۰ تعاونی چند منظوره وجود دارد.

ساخت، موقعیت و سایر تمایلات کنونی تعاونیهای مصرف کشورهای در حال رشد باید در رابطه با انواع دیگر تعاونیها مورد مطالعه قرار گیرد.

نتایج مقدماتی حاصله از بررسی مشکلات عمومی تعاونیها باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند و بسط و تعمیم داده شوند، زیرا فقط یک بعد مشکل را نشان می‌دهند. اگر در این مرحله توقف کنیم و براهمان ادامه دهیم مثل این است که، «از پهنه وسیع انتهای تلسکوپ تنها نقش تعاونیها را از دیدگاه مصرف بنگریم»...

بر اساس نظر «چارلز گاید»<sup>۷</sup>، نقش عمده تعاونیها حذف همه تضادهائی نیست که بین تولید کنندگان، مصرف کنندگان، وام دهندگان و وام گیرندگان ... وجود دارد. در حقیقت مشکل اساسی و عمده تعاونیهای مصرف، خصوصاً در کشورهای در حال رشد همین مساله است. در تعاونیها شکل مالیات و ایستکی طبقاتی اعضاء، هدف (انجام خدمت نه کسب سود)، استفاده و توزیع هر نوع مازاد، رابطه بین مالک و غیرمالک (عرضه کنندگان، مشتریان و کادر پرسنلی) به کلی با سازمانهای غیر تعاونی فرق دارد.

هر طرح تعاونی باید واجد شش اصل باشد (که بوسیله کنگره اتحادیه بین‌المللی تعاونی که در سال ۱۹۶۶ در وین تشکیل شد، تعریف گردید). دو اصل از این شش اصل از اهمیت خاصی برخوردارند که عبارتند از «آموزش» و «همکاری متقابل». پیروزی نهضت تعاونی بستگی به اجرای این دو اصل دارد. استعمال و به کار بستن آنها منجر به ایجاد یک سیستم خاص اقتصادی - اجتماعی می‌گردد که هدف آن پیشرفت تمام افراد است، حتی آنان که تعاونگر نیستند. مشارکت فعال و مؤثر افراد در چنین سازمانهایی متضمن پیروزی آنهاست. اما در کشورهای در حال رشد به علت عوامل تاریخی (استفاده تعاونگران از تعاون جهت حل مشکلاتی چون توزیع اعتبار، فراهم آوردن وسایل و تجهیزات) که موجب بهبود تولید کالاهای صادراتی در شهرهای بزرگ شود، قحطی و ... که با آنها درگیر بودند، اقتباس از نقشه و الگوهای کشورهای پیشرفته در زمینه بخشهای مختلف تعاونی معمولاً بصورت جدا از هم سازمان یافته‌اند و هیچگونه رقابتی بین آنها وجود ندارد. بهمین جهت تضاد بین تعاونیهای مصرف و تولید در این کشورها هنوز از بین نرفته و سازمانهای محلی، منطقه‌ای، و ملی برای رفع این مشکل بوجود نیامده‌اند. فعالیتها به عنوان جزئی از برنامه‌های توسعه تعاونی تقسیم نشده و این سازمانها با مشارکت افراد علاقمند و ذینفع سازمان نیافته‌اند، تا فعالیت یکی موجب تکمیل کوشش دیگری شود، و بالاخره در راهی نیستند که رقابت سالمی بین اجزاء مختلف به عنوان یک کل برقرار گردد.

درباره مشکلات اصلی تعاونیها چون بزرگی و کوچکی واحدهای تعاونی و معایب و مزایای هر یک، و یا از برتری واحدهای تعاونی چند منظوره نسبت



به واحدهای تعاونی يك منظور، کمتر بحث می‌شود. مهمترین مسأله اینست که پذیرش نسبت به اصول تعاونی را تأمین کرده و این اصول را تدریجاً جانشین اجزاء متعدد تشکیل دهنده نهضت تعاونی بنمائیم. باید موقعتیت و شرایط محلی را در نظر بگیریم و ببینیم که آیا این شرایط موقتی هستند یا دائمی؟ تنها نباید باین قناعت کرد که تعاونگر مصرف کننده شمیری، کالاهای محلی یا وارداتی را با حداقل قیمت بدست آورد. درست است که کاهش قیمت تولیدات به نفع مصرف کننده شمیری است ولی موجب کاهش درآمد تولید کننده هم می‌گردد و موجب می‌شود که او نتواند مخارج زندگی خویش را بدست آورد. گاهی اوقات ورود موقتی کالاهای وارداتی موجب تنزل قیمت تولید کنندگان داخلی می‌شود و آنها نخواهند توانست تولیدات خود را به قیمت بالاتری از قیمت کالاهای وارداتی در بازار محلی به فروش برسانند. در چنین شرایطی نباید تولید کنندگان را به امان خدا بسپاریم، بلکه باید از آنها حمایت نمائیم. به عبارت دیگر رابطه تولید کنندگان با مصرف کنندگان شمیری باید بر اساس سیستم معقولی باشد. تعاونی نباید به تولید کننده فرصت بدهد که به استثمار مصرف کننده شمیری پردازد، و از موقعتیت خود به صورت يك عامل انحصاری سوءاستفاده کند. چنین شرایطی در حال حاضر به ندرت دیده می‌شود.

در بسیاری از کشورهای در حال رشد ثابت شده که تعاونیهای مصرف قادر به رقابت با بخش خصوصی نیستند. این ناتوانی ناشی از ساخت درونی آنها نیست. عوامل دیگری هستند که موجب می‌شوند تعاونیها نتوانند با بخش خصوصی بر رقابت پردازند. اهم این مسائل و مشکلات عبارتند از:

- تدوین يك برنامه هماهنگ جهت بسط و توسعه این نظام.
- انتخاب راهی که واحدهای تعاونی بتوانند به یکدیگر از نظر مالی، و تهیه و سرپرستی طرحها کمک نمایند.

- آموزش اعضاء، مأموران و کارکنان تعاونیها.
- برقراری رابطه با نهضت‌های تعاونی کشورهای همسایه در وعله اول و سپس بسط و گسترش این رابطه با کشورهایی که در فواصل دورتری هستند. برای مقابله با سازمانهای غیر تعاونی، تعاونیها باید روش‌هایی را به کار گیرند که با ساخت درونی، بنیه مالی سیستم کنترل و... آنها سازگاری داشته باشد. باید همزمان با بهره‌گیری و استفاده از این روشها به آزمون مجدد آنها پردازند و وضع موجود را در رابطه با آنها مورد بررسی قرار دهند. خوشبختانه در این اواخر، در بعضی از کشورهای در حال رشد، تعاونیها اقداماتی را شروع کرده‌اند که موجب افزونی اثربخشی آنها خواهد شد. بهر حال باید خاطر نشان شود که بر حسب ضرورت و همراه با تغییر شرایط، باید در قوانین تعاونی تجدید نظرهایی صورت گیرد، به نحوی که تعاونیها



قادر شوند در اسرع وقت به حل مشکلات عمومی خود که در توزیع کالاهای مصرفی با آنها مواجه هستند نایل آیند. تجدیدنظر باید به نحوی صورت گیرد که موجب تغییر ماهیت آنها نشود. همزمان با این اقدامات باید جهت برطرف کردن مشکلات داخلی و درونی خود تدابیری اتخاذ نمایند.

### مدیریت، توسعه و مشکلات درونی تعاونیهای مصرف

تعاونیها مانند هر سازمان دیگری با عوامل سه گانه تهیه کالا، پول و انسان سروکار دارند و موظف به فراهم آوردن این سه می باشند. از لحاظ نظری تعاونیها باید بتوانند به حل این مشکل نائل آیند. این امر وقتی تحقق می یابد که هر یک از اعضا، از هنگام پیوستن به شرکت نسبت به وظایف خود کاملاً آگاه شده باشند و برای شناخت بیشتر مسئولیتها و وظایف خویش تعلیمات لازم را دریافت کرده باشند.

باین منظور اصل پنجم تعاون یعنی «آموزش تعاونی» باید برای تمام اعضا تعاونی اجباری شود و خود شرکت باید تمام اقدامات لازم را در جهت ارتقاء پیوسته آگاهیهای اعضا انجام دهد.

مدیریت تعاونی بسیار مشکل تر از سازمانهای عمومی و یا خصوصی است. جلب افراد به همکاری بدون وجود هیچگونه نفع مادی بسیار دشوار است. ضعف و ناتوانیهای فنی، اقتصادی، مالی و گاهی رقابت نامسبارک مسائلی هستند که در همان بدو کار یک تعاونی در برابرش قد علم می کنند. بهر حال اینها مشکلاتی هستند که هر تعاونی از همان بدو کارش با آنها روبرو می شود و ناچار به تحمل آنها است.

همانطوری که تهیه پول و کالا بعهده تعاونی است، وظایف اصلی اعضا تعاونیهای مصرف (سایر انواع تعاونیها) صرفنظر از امور روزانه عبارتند از:

- مطالعه و بررسی، برنامه ریزی و تنظیم برنامه فعالیتها.
- سازمان دادن خدمات عمومی برای تعاونیهای دیگر.
- بازرسی و بررسی عملیات شرکت به صورت روزانه و یا در فاصله زمانی بیشتر.

عدم وجود امکانات کافی در شروع کار، فقدان مطالعات عملی، فروش ناچیز، انتخاب مکان نامناسب، فقر و ناتوانی سازمانی (عدم مدیریت صحیح)، عدم شناخت صحیح نیازهای اعضا و قدرت خرید آنها و کوشش در تحمیل کالای زیاد به اعضا، تبلیغ ناکافی، عرضه و ارائه کالاهای نامرغوب، قصور در مطالعه هزینهها و قیمتهای فروش، فقدان نیازهای سرمایه ای (کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت) از عواملی هستند که موجب می شوند تعاونیهای مصرف کشورهای در حال رشد با شکست مواجه گردند.

در يك مؤسسه خصوصی كوچك مثلا فروشگاه، صاحب مؤسسه شخصاً درباره امور جاری خود تصمیم می‌گیرد. اگر مؤسسه بعد بزرگتری داشته باشد و به صورت شرکت (چه كوچك و چه بزرگ) اداره شود، معمولاً چند مقام اجرایی با برخورداری از تدابیر و روشمائی كه لازمه تصمیم گیری است، و اطلاع كافی از وضع شرکت، تصمیمات لازم را اتخاذ می‌نمایند. چه در مؤسسات كوچك و چه در مؤسسات بزرگ (شرکت‌ها). شرایط تصمیم گیری ایجاب می‌کند كه مؤسسه با حداكثر سود و بهره‌وری به كار خود ادامه دهد. ولی در شرکت‌های تعاونی وضع چنین نیست و ساخت درونی به آن اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. تصمیم بوسیله يك و یا حداكثر چند مدیر گرفته می‌شود كه هیچگونه احساسی نسبت به تعاونی ندارند. در تعاونیهای مصرف، مانند سایر سازمانهای تعاونی تصمیم آنقدر عجلانه گرفته می‌شود كه فرصتی برای مطالعه و برنامه‌ریزی باقی نمی‌ماند. آنان كه اقدام به تشكيل تعاونی می‌نمایند (سازمان‌دهندگان) باید بخاطر بسیاری كه پیشگامان را جدیل در ۱۳۰ سال پیش قبل از آنكه اقدام به افتتاح فروشگاه بنمایند در مدتی پیش از يكسال به مطالعه مشكلات خود پرداختند و تمام جوانب را در نظر گرفتند، و پس از چنین مطالعه‌ای بود كه اقدام به ایجاد فروشگاه معروف خود نمودند. فقدان اطلاعات موثق، عدم وجود مهارت‌های فنی، اقتصادی و مالی، از مشكلات دیگری است كه تعاونیهای مصرف با آنها روبرو هستند. بسیاری از اوقات اعضاء می‌خواهند قسمت اعظم نیازهای خود را با حداقل قیمت ممكن و در اسرع وقت بدست بیاورند بدون اینکه نگران تعاونی‌خویش باشند و یا درباره آینده آن بیندیشند. لازم به یادآوری است كه در كشورهای در حال رشد تا حد زیادی قوانین تعاونی مسؤول این وضع هستند.

بسیاری از تعاونیها بدون مطالعه قبلی بوجود آمده‌اند و یا می‌آیند. حتی بیشتر آنها طرح بودجه و برنامه و غیره ندارند. بهر حال قوانینی كه اخیراً در این كشورها وضع شده قسمتی از این مشكلات را برطرف خواهد كرد. مشكل اصلی انتخاب روش‌ها و وسائلی است كه باید برای آموزش و تربیت اعضاء به كار گرفته شوند. به عنوان مثال بمحض اینکه عضوی به شرکت می‌پیوندد باید در مطالعه و برنامه‌ریزی آینده آن شرکت جویند، هر عضوی باید احساس كند كه نه تنها مفید است بلکه وجودش ضروری است، زیرا او صاحب واقعی شرکت است.

نظریات و پیشنهادات او باید همیشه متوجه کلیه شبکه تعاونی (نهضت ملی تعاونی) باشد نه محدود به آن تعاونی كه خود عضو آنست. به عبارت دیگر او باید دارای يك جهان‌بینی تعاونی باشد. همه را ببیند نه تنها خویشترن را! از نظر داخلی شرکت خود را با قوانین موجود وفق می‌دهد و سعی



می‌کند از قوانین به نفع خود استفاده نماید. اعضاء هیئت‌ها (در مجمع عمومی سالیانه شرکت‌ها) برحسب موقعیت اجتماعی و نفوذ محلی تعیین می‌شوند. به عبارت دیگر شایستگی و لیاقت افراد ملاک انتخاب آنها نیست. مدیر شرکت چه عضو آن شرکت باشد و چه نباشد بوسیله قدرت‌های دولتی تعیین می‌شود. در چنین سازمان یا سازمانهایی به هیچ تعاونگری اجازه ابراز و احساس مسؤولیت در برابر تصمیمات متخذه داده نمی‌شود. به او دستور می‌دهند و او موظف به اجرای آنست و باید از عواقب آن پشتیبانی نماید! در چنین شرایطی است که از خون‌سردی و بی‌تفاوتی اعضاء سخن به میان می‌آورند، در حالیکه آنها (اعضاء) کاملاً حق دارند بی‌تفاوت باشند و به سازمان تعاونی خود به‌دیده حقارت بنگرند. برای يك عضو از دموکراسی و آزادی انتخاب سخن می‌گویند، در حالیکه با چشمان خود می‌بینند که گویندگان چنین کلامهای مقدسی اعتقادی به آنچه که می‌گویند ندارند. او دروغ را آشکارا می‌بیند و احساس می‌کند. به همین جهت است که در مجامع عمومی شرکت نمی‌کند. به علت عدم شرکت اکثریت اعضاء در مجامع عمومی، افرادی انتخاب می‌شوند که هدفها و مقاصد معینی را در جهت منافع شخصی خود تعقیب می‌کند. در نتیجه چنین وضعی است که آنها این فرصت و امکان را می‌یابند که بنابر سلیقه و خواست و امیال شخصی خود شرکت را اداره نمایند. بدین ترتیب شرکت قبول شخصی عده خاصی که آنرا اداره می‌کنند می‌شود. با توجه به گفتار بالا این سؤال پیش می‌آید که: آیا بایست در بابت درونی و سنتی تعاونیها و شرایطی که بر مجامع عمومی حکومت می‌کند تجدید نظر به عمل آید؟ آشکار است که باید کمیته‌های تخصصی ویژه‌ای متشکل از مقامات حقوقی یا مشورتی ایجاد شود و از رویایی جدیدی از قوانین و شرایط حاکم بر مجامع عمومی به عمل آید. علاوه بر این روابط شرکت‌های تعاونی با یکدیگر باید طوری باشد که در هنگام تشکیل مجمع عمومی از یکدیگر برای شرکت در آن مجمع دعوت به عمل آورند تا هر یک به تشریح تجارب خود در زمینه‌ای که کار کرده‌اند و تجربه اندوخته‌اند بپردازند، و روش یا روشهایی را که برای حل مشکلات خود برگزیده‌اند ارائه دهند تا در معرض قضاوت، بررسی و تجربه دیگر تعاونگران قرار گیرد. خصوصاً باید امکان همکاری متفق تعاونیهای همسایه جهت مطالعه کمک‌های دوجانبه به یکدیگر فراهم آید.

تنها نباید به اصلاحات در مورد ساخت درونی سازمانی تعاونیها قناعت ورزیم. شرکت تعاونی مصرف نباید مثل سازمانهای تجاری تنها به عرضه کالا بپردازند، بلکه باید علاوه بر عرضه کالا خدمات دیگری هم برای اعضاء خود انجام دهد. نمونه انجام اینگونه خدمات را در تعاونیهای مصرف‌اروپای



شرقی ملاحظه می‌کنیم. تعاونیهای مصرف اروپای شرقی داری فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، و غیره می‌باشند. چنین فعالیت‌هایی در کشورهای در حال رشد وجود ندارند. در وهله اول باید این فعالیت‌ها سازمان داده شوند و بودجه آنها تأمین گردد در این مورد مخصوصاً باید دولت کمک کند. چنین فعالیت‌هایی باید در قوانین تعاونی پیش‌بینی شود و جزء ذات وجودی تعاونی‌ها گردد. ضمناً باید کوشش شود که زنان و افراد جوان در اداره شرکت، شرکت جویند، چیزی که به ندرت دیده می‌شود. در پایان این بحث باید گفت که نه تنها موقعیت تعاونیهای مصرف، بلکه توسعه آینده آنها و حتی پیروزی کامل نهضت باید در نظر گرفته شود. باردیگر تأکید می‌شود که باید همکاری زنان که نیمی از نیروی بالقوه اعضاء سالمند را تشکیل می‌دهند جلب شود، تا در صورت لزوم و یا کناره‌گیری بنیان‌گذاران شرکت بتوان افرادی را جانشین آنان کرد. به‌علاوه کوشش‌های سازمان یافته و منظمی باید جهت تشویق و ترغیب تعاونیهای مصرف و سایر تعاونیها صورت گیرد تا آنها از همان آغاز تشکیل و تأسیس خود با تعاونیهای مدارس همکاری نمایند.

چنین همکاری از خیلی پیش فقط در آمریکای لاتین و اروپا وجود داشته است. به تجربه ثابت شده که این سازمانها یکی از بهترین وسایل برای آگاه کردن افراد جوان از ماهیت و امکانات تعاونیها و همچنین آموزش مدیریت و آماده کردن آنها برای قبول مسؤولیت‌های بعدی در تعاونیهای باسابقه‌می‌باشند. در کشورهای در حال رشد، جنبش تعاونی به نقش ارزنده معلمین مدارس متوسطه و کالج‌ها در توسعه تعاونیها توجه نکرده است. آنها می‌توانند با ایجاد تعاونی در مدارس نقش مهمی را در بسط و توسعه نهضت تعاونی ایفاء نمایند. علاوه بر این می‌توانند در منطقه مورد فعالیت خود به تعاونیها کمک نمایند. آنها با توجه به امکانات و تواناییهای خود در موقعیتی قرار می‌گیرند که می‌توانند به مدیران شرکت‌های تعاونی در مورد اجتماعات، تشکیل مجمع عمومی و کمیته‌ها، آموزش تعاونی و اطلاعات کمک نمایند. بهر صورت قبل از آنکه آنها بتوانند کاری انجام دهند، جنبش تعاونی باید با آنها تماس برقرار سازد و آنان را تشویق نماید که در فعالیت‌های تعاونی شرکت جویند. علاوه بر این باید آنها را قانع سازد که قسمتی از مسؤولیت‌های سازمانی یعنی آموزش به‌عهده آنها است، و شرکت آنان در فعالیت‌های تعاونی می‌تواند منجر به ارتقاء شرایط زندگی مردم شود.

فقدان دانش تعدادی از اعضاء و یا مأمورین منتخب ممکن است مشکلی ایجاد کند، اما مشکل اصلی تعاونیها را تشکیل نمی‌دهد. این مشکلات از لزوم کنترل بر تمام عملیات به‌وسیله ادارات سرپرستی و سازمانهای مرکزی تعاونی ناشی می‌شوند. بدین ترتیب تعاونگران از عمال یکی از حقوق حقه خود محروم

می‌شوند. این امر موجب می‌شود که آنها دلبستگی خود را به وضع کنونی و آینده تعاونیهای خود از دست بدهند. چنین وضعی که در بین تعاونیهای مصرفیهای کشورهای در حال رشد خیلی معمولی و عادی است، باید اصلاح شود. اقدامات زیادی در این اواخر صورت گرفته و در بسیاری از موارد هم ضرورت دارد که به تعریف مجدد اختیارات لازم و کافی برای مأمورینی که عملیات روزانه تعاونی را به عهده دارند بپردازیم، بدون اینکه بخواهیم به کلی آنها منسوخ کنیم.

علاوه بر این، بدیهی است که در مواردی برخورد بین کارمندان استخدامی و کارمندان انتخابی (آنان که بوسیله اعضا و یا از جانب اعضا انتخاب می‌شوند)، و یا برخورد میان اعضا، در نتیجه قصور و ضعف‌هایی است که در نحوه عرضه اطلاعات به اعضا وجود دارد. اعضا تمام اطلاعات مورد نیاز را دریافت نمی‌کنند و در این مورد حق با آنهاست. آنچه را هم که دریافت می‌کنند به زبان و یا به شکلی است که نمی‌توانند بفهمند. به عنوان مثال، برای بیشتر آنها گزارش‌های مالی سالیانه که جهت تصویب ارائه می‌شوند، بسیار پیچیده و مبهم می‌باشند و آنان قادر به درک گزارش‌های ارائه شده نخواهند بود، و نخواهند توانست آنها را مورد انتقاد قرار دهند. معمولاً اعضا شرح مختصر و شتابزده‌ای از عملیات سالیانه شرکت در مجامع عمومی دریافت می‌دارند. در بسیاری از حالات، این وضع به آنچه که در شرکت‌های خصوصی می‌گذرد شباهت پیدا می‌کند. گاهی اوقات، تعداد معدودی از اعضا که عضو هیئت نظارت هستند و بر کارهای مدیران انتخابی و یا استخدامی نظارت دارند، در فراهم آوردن یا تهیه این اوراق همکاری می‌نمایند و صحت آنها را مورد بررسی قرار می‌دهند.

در خلال مجمع عمومی و حتی در جلسه هیئت مدیره توجه خیلی کمی به کاربرد روزانه اصول تعاون می‌شود. معنی و اثرات عملی آن همیشه برای اعضا تشریح نمی‌گردد. راستی سوابق چه تعداد از این مجامع و هیئت‌ها (باستثنای تعاونگران بیخبر و یا در مواردی که پای جریمه در میان است) دلالت بر وفاداری به تعاونی، حضور مرتب در مجامع و... دارد؟

تشکیلات درونی تعاونیهای مصرف در کشورهای در حال رشد، باید اصلاح شود. آنچه‌ان اصلاحی که منجر به تشکیل سازمانی جهت مطالعه و نشر اطلاعات شود. هر تعاونگری، هر شرکت تعاونی و بالاخره هر نهضت تعاونی، باید از کوشش‌ها و فعالیت‌ها و بالاخره نتایج کوشش‌های این سازمان بهره‌مند شود. بدون وجود چنین تشکیلاتی کنترل اعضا بر فعالیت‌ها چیزی جز قصه نخواهد بود. در کشورهای که سرپرستی سفت و سختی از جانب ادارات مسؤول صورت می‌گیرد و قدرت‌های اداری مسؤولیت سرپرستی را به عهده دارند، این اصلاحات باید در جهت افزایش استقلال داخلی تعاونیها باشد.



چنین استقلالی، از این نظر ضرورت دارد که تعاونگران را قادر می‌سازد به صورت مدیران واحدهای اقتصادی درآیند. عدم وجود استقلال داخلی موجب می‌شود که کلیه روابط انسانی درون تعاونیها و روابط موجود بین کارکنان و بالاخره افرادی که در خارج از شبکه تعاونی هستند، از شکل اصلی خود دور شود و نظم لازم خود را از دست بدهد. درچنان شرایطی، یعنی عدم تحقق «استقلال داخلی»، امید آقای «چارلز گاید» دائر به از بین بردن تضاد و برخورد بین افراد و گروهها در نظام تعاونی بیهوده و بی‌مورد می‌باشد. تحت چنین شرایطی نمی‌توان از نهضت تعاونی انتظار داشت که شرکت مؤثری در صلح جهانی داشته باشد. در این شرایط مدیریت اداری مهمتر از هرچیز دیگری است و همین‌طور مشکل‌تر.

در اجرای سه اصل «عضویت آزاده»، «اداره دموکراتیک» و «همکاری متقابل» هر تعاونی باید:

- از نظر تئوری درها را به‌روی تمام کسانی که طالب عضویت هستند باز کند.

- به تمام افراد علاقمند اجازه دهد که در توسعه شرکت بکوشند و در اداره آن شرکت جویند.

- کوشش‌هایش موجب تحکیم و تقویت نهضت تعاونی شود، نه یک واحد تعاونی.

مطالبی که بطور خلاصه ذکر شده با روابط و مناسبات اعضاء تعاونی، یک تعاونی با دیگر تعاونیها، اعضاء آن شرکت، و بالطبع با کارکنان استخدامی شرکت (اگر داشته باشد) ربط می‌یابد.

در حقیقت، قوانین تعاونی با تعریف شرایط ورود، وسعت عمل، رهبری شرکت به وسیله افراد عضو و یا غیر عضو و سایر عوامل محدودیت‌های زیادی (گاهی خیلی شدید و سخت) برای تشکیل تعاونیهای کوچک اعمال می‌کنند. قوانین و طرز اجرای آنها ممکن است موجب تحکیم این درون‌گرایی شود، تا جائیکه گاهی اوقات ممکن است منجر به تشکیل و توسعه «تعاونیهای بسته» در خارج از نهضت تعاونی گردد. به عبارت دیگر عاقلانه نیست که اجازه دهیم هر شخصی صرفاً بخاطر کسب سود از حاصل کار و فداکاری دیگران عضویت تعاونی درآید، بدون اینکه از یک چشم‌انداز یا حس تعاونی برخوردار باشد. تعداد اعضاء و بازده کار شرکت نباید تنها معیارهای سنجش موفقیت شرکت به وسیله اعضاء باشد. آنها نباید تنها با توجه به دو عامل یادشده دل خوش کنند و احساس رضامندی نمایند، بلکه معیارهای دیگری را هم در این سنجش وارد نمایند. بدیهی است در حال حاضر شرایط مجاز دیگری برای پذیرش اعضاء



وجود ندارد. زیرا برنامه‌های توسعه رشته‌های مختلف تعاونی در يك مقياس ملی به وسیله سازمانهایی که در رأس جنبش قرار دارند صورت می‌گیرد. ولی باید این برنامه‌ریزی با توافق کامل سازمانهای عضو در سطوح پائین‌تر باشد. ضمناً این برنامه‌ها باید به ناتعاونگران شناسانده شود.

با توجه به علائق و دلبستگی ما به هماهنگی مناسبات و روابط هر تعاونی باید گفته شود که این مسأله تنها يك راه حل دارد که عبارتست از هماهنگ ساختن «ساخت» هر تعاونی با نیازهای اعضاء و با توجه به عامل «زمان». یعنی باید با توجه به شرایط زمانی در ساخت تعاونی تجدید نظر به عمل آید و شرایط لازم برای ایجاد این هماهنگی فراهم آید. بسیار ایده‌آل خواهد بود که تصمیمات لازم به اتفاق آراء گرفته شود. در این مورد باید به موارد زیر توجه شود:

- تعاونی نباید دارای «ساخت تغییر ناپذیر» باشد و فقط بر اساس موازین قانونی تشکیل شده باشد، آنچنانکه هیچگاه در ساخت آن تجدید نظر به عمل نیاید.

- هر تعاونی باید کمیته‌ای برای تجدید نظر در ساخت خود داشته باشد. این کمیته باید به تمام مسائل و مشکلاتی که ممکن است بین اعضاء و کارمندان انتخابی و انتصابی به وجود آید توجه داشته باشد.

- قاعده اتفاق آراء خیلی ساده‌تر قابل تطبیق و سازش با شرایط تعاونیهای کشورهای در حال رشد می‌باشد. در این کشورها هنوز بسیاری از گروه‌ها بطور اشتراکی زندگی می‌کنند و از اصل اتفاق آراء پیروی می‌نمایند. ساکنین کشورهای در حال رشد، در مرحله‌ای باقیمانده‌اند که نمی‌توانند «قوانین دموکراتیک» را بپذیرند و اغلب در نتیجه غیبت، اقلیتی بر آنها (شرکتها) حاکم می‌شوند و اداره آنها را بدست می‌گیرند.

همچنین مشکلاتی در باب مدیریت کارکنان استخدامی شرکت‌های تعاونی وجود دارد. لازم به تذکر است که در اصل چنین افسردی (یعنی کارکنان استخدامی) نباید وجود داشته باشند، زیرا یکی از هدف‌های تعاونیها حذف استثمارگران به وسیله «صاحبان سرمایه» است. بیشتر قوانین تعاونی ماده‌ای دارند که باین مسأله اشاره می‌کند که در نتیجه آن اداره کنندگان شرکت باید خود صاحبان شرکت باشند نه افرادی که مزد بگیرند.

اغلب تعاونیهای مصرف در آغاز کار خود مبادرت به استخدام کارمند نمیکنند خصوصاً اگر از تأسیس فروشگاه مدت زیادی، مثلاً چند هفته، نگذشته باشد. اما خیلی سریع صندوق‌دار و فروشنده... ضرورت پیدا میکند. در نتیجه این ضرورت، روش‌های غیر تعاونی در پیش گرفته می‌شود. شرکت‌ها مبادرت با استخدام کارگر جهت جابجائی کالا و... می‌نمایند، بدون اینکه به آنها موقعیت و شرایط يك عضو داده شود. بدین ترتیب کارگر تعاونی بوجود می‌آید. تعداد

این کارگزاران توسعه شرکت‌های تعاونی که در نتیجه آن سازمان‌های درجه دوم و ... بوجود می‌آیند، زیاد می‌شود. این مشکلات به شرایط کار کارکنان تعاونی مربوط می‌شود، چه عضو باشند و چه غیرعضو. بعید بنظر می‌رسد که این مسأله در حال حاضر حل شود.

«هیئت منطقه‌ای اتحادیه بین‌المللی تعاون» در دهلی نو، در سال ۱۹۷۱ گزارشی در باره مدیریت امور استخدامی چند سوپر مارکت در هند تهیه کرده که نتایج و توصیه‌های آن، در سایر کشورهای در حال رشد قابل اجرامی باشد. این گزارش از مسائلی و مشکلات متعددی از جمله: کشمکش‌های فراوان کارگران تعاونی چه عضو و چه غیرعضو (که مزدشان در سطح نازلی است)، ساعات کار، فقدان امکانات آموزشی، ترفیع، رفاه، سیستم‌های تشویقی، درمان، بیمه کارمندان اقدامات ایمنی، کمک باشخاص و ... حکایت دارد.

تعاونیهای مصرف باید بکوشند که شرایط کار و مزد پیشنهادی آنها حداقل در حد سازمانهای غیرتعاونی باشد. البته در اسرع وقت و بمحض یافتن امکان باید برای ایجاد شرایط بهتر اقدام کنند. علیرغم وجود مشکلات اصلی که خصوصاً به رقابت و فقدان سرمایه مربوط می‌شود، اصلاحات قابل ملاحظه‌ای در کشورهای متعدد صورت گرفته است. در هر صورت این اقدامات به تنهایی کافی نیستند. اغلب تعاونیها باید در خط‌مشی استخدامی خود تجدید نظر کامل بعمل آورند، آنچنانکه شرایط کار و استخدام منطبق بر اصول تعاون باشد.

یک تعاونی و یا بخشی از تعاونی نمی‌تواند در یک حوزه‌ای با سرعت کافی به نتایج مفید و پیروزی مؤثر دست یابد. بدون اینکه باکل نهضت تعاونی در سازش باشد. تنها راه حل مسأله ایجاد یک هماهنگی بوسیله سازمانهای تعاونی تجارتي و صنعتی است که منجر به ایجاد رابطه بین تولیدکنندگان موادخام، کارگران و مصرف کنندگان شود. در چنین صورتی عوامل برخورد و تصادم در کار حذف می‌شود و استثمار یک طبقه بوسیله طبقه دیگر (تولیدکنندگان و مصرف کنندگان) از بین می‌رود. این رابطه باید منجر به پرورش «روح همکاری»، توسعه پیوسته کارایی، و بهبود توزیع عادلانه «ارزش اضافی» گردد. اجرای اصل ششم تعاونی یعنی همکاری تعاونیها با یکدیگر یکی از شرایط لازم و ضروری برای توسعه و پیشرفت موزون جنبش‌های تعاونی کشورهای در حال رشد می‌باشد. تاکنون اقداماتی اساسی جهت حل مشکلات تعاونیهای مصرف کشورهای در حال رشد صورت گرفته و کوشش‌هایی هم در حال حاضر باین منظور جریان دارد.

بررسی بعد مشکلات تعاونیهای مصرف کشورهای در حال رشد، که خود مجبور به حل آنها هستند ما را به بدبینی رهنمون می‌شود. خصوصاً اینکه در حال حاضر همین شرکت‌ها در بسیاری از کشورهای پیشرفته با مشکلات جدی روبرو هستند. بر اساس چنین نگرشی باید از شرح تمام اقداماتی که تاکنون



صورت گرفته و کوشش‌هاییکه هم‌اکنون جریان دارد تا تعاونیهای مصرف، نقشی را که شایسته آن هستند، یعنی «توزیع کالاهای مصرفی» ایفاء نمایند، صرف‌نظر کنیم.

قبل از هر چیز باید دل‌بستگی و علاقه تازه‌ای را که دولت‌ها و بسیاری از اتحادیه‌های تجاری نسبت به تعاون در خلال چندسال گذشته از خود نشان داده‌اند مطرح کنیم. در سمینارهاییکه بوسیله دفتر بین‌المللی کار و با همکاری متقابل سایر سازمانهای ملی در نقاط مختلف تشکیل شده، کلیه نمایندگان دولتی و اتحادیه‌های تجاری در باره نقش شرکت‌های تعاونی مصرف متفق‌القول بودند.

اولین قدمی که در این راه برداشته شد، تهیه طرح توسعه تعاونی است که تمام جنبش را در کشورهای مختلف در بر می‌گیرد یا فقط بخش مصرف را. مثال بسیار جدیدی از آن برنامه‌ای است که بوسیله مقامات بحرینی جهت تأسیس ۱۴ شرکت تعاونی در پنج منطقه مختلف، بمنظور برآوردن نیازهای ساکنین این مناطق و نواحی روستایی اطراف می‌باشد. ایران نیز مشغول انجام برنامه‌هایی است تا کوشش‌های دولتی، اتحادیه‌های کارگری و تعاونی را هماهنگ سازد. براساس طرحی که بوسیله دولت تهیه شده، در طول ۵ سال دوهزار تعاونی مصرف کارگری تشکیل خواهد شد که دو میلیون کارگر را در بر خواهد گرفت. از آنجائیکه اجرای این برنامه دشوار بنظر می‌رسید، مقامات دولتی در ۱۸ اوت ۱۹۷۳ تصمیم گرفتند که هر کارفرما باید سالیانه قسمتی از سود سهام را، (۱۰٪) تا حداکثر ۳۰۰۰۰ ریال به حساب مخصوص تعاونی مصرف آن شرکت در بانک رفاه کارگران واریز نماید (البته در صورتی که چنین شرکتی وجود داشته باشد)، و در غیر اینصورت به حساب جاری شرکت تعاونی در حال تشکیل واریز نماید، تا زمانی که شرکت صورت قانونی بوجود بگیرد. براساس این برنامه هر تعاونی باید به‌اعضای خود سهامی معادل مبلغی که کارخانه به شرکت پرداخت کرده است بدهد، و ۵۰٪ از مبلغ باید صرف خرید سهام سرمایه‌ای از اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف کارگران ایران گردد. این قانون نوامبر ۱۹۷۳ شامل ۱۵۱ تعاونی از ۲۵۴ تعاونی مصرف کارگری گردید.

همچنین، اقدامات مفید دیگری جهت تعاونیهای مصرف و سایر انواع تعاونیهای از جانب دولت‌ها اتخاذ شده که اهم آنها عبارتند از:

- تجدید نظر یا تدوین مجدد قوانین تعاونی.
- افزایش کمک فنی و یا مالی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم که غالباً از جانب سازمان ملل متحد یا سازمانهای دولتی و یا سازمان‌های غیر دولتی حمایت شده است.

از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ تنها ۲۵ کشور در حال رشد ۸ قوانین جدیدی درباره تعاونیها وضع کرده‌اند. در افغانستان، بحرین و یمن شمالی اولین قانون در این زمینه وضع گردید. شانزده کشور، قانونی کلی برای نهضت تعاونی وضع کردند، در حالیکه دیگران قوانینی جهت نوع بخصوصی از تعاونیها وضع کردند. همچنین به منظور احیاء و یا برقراری آموزش تعاون در مدارس، قوانینی در آرژانتین، کلمبیا، و کوستاریکا به تصویب رسید. در همین زمان پیش نویس قوانین تعاونی در پنج کشور دیگر تهیه شد (خاورمیانه و نزدیک، آسیا، جنوب اقیانوس آرام و در منطقه کارائیب). به علاوه «شورای توسعه تعاونی» برای تمام تعاونیها بطور اعم و یا بطور اخص برای بخش‌های معینی از تعاونی در کشورهای متعددی از جمله مالای، فیلیپین، و سیریلانکا تشکیل شد. در این کشورها اصلاحات دراز مدتی برای رونق دادن نهضت تعاونی در جریان است.

در مورد نقش دولت در قوانین تعاونی به سه مسئله اساسی باید توجه و تأکید شود، زیرا آنها هم از نظر استفاده از تعاونیها به عنوان «ساخت‌های اساسی» برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، و هم به عنوان شرکت وسیع نمایندگان تعاونگران در هیئت‌هایی که مسؤول تدارک و یا کنترل عملیات برنامه‌ها میباشند، به عنوان قسمتی از طرحهای رشد ملی مهم هستند.

قبل از هر چیز، باید گفت که وضع قوانین جدید تعاونی، در اصل عامل متناسبی برای توسعه نهضت تعاونی است. زیرا امکان رابطه متقابل تعاونی را در داخل هر کشوری می‌دازد و موجب می‌شود از برخوردهای درونی نهضت که همیشه عامل مضر است، اجتناب شود. بر اساس چنین قوانینی است که سازمانهای مالی و آموزشی لازم می‌توانند در یک مقیاس ملی به وجود آیند. چنین سازمانهایی نمی‌توانند برای یک بخش تعاونی ایجاد شوند و مفید واقع گردند و کارایی لازم را داشته باشند.

سپس این نهضت‌ها تدریجاً می‌توانند بر اساس موازین قانونی سازمان واحدی را تشکیل دهند و متحد شوند. این عمل خصوصاً در آمریکای لاتین صورت پذیرفته است. با افزایش اهمیت اقتصادی آنها، نقش سازمان مسؤول سرپرستی تغییر می‌کند، در حالیکه نمایندگان کلیه سازمانهای تعاونی در کنار هم می‌نشینند و در سطح ملی تصمیم می‌گیرند. بدین ترتیب سازمانهای بالنسبه تازه و کاملی در کشورهای مختلف به وجود می‌آیند، «انستیتوی ملی توسعه تعاونی» در کوستاریکا یکی از نمونه‌های مهمی است که می‌توانیم به عنوان مثال ذکر کنیم. اکثر اعضاء هیئت مدیره انستیتوی فوق را نمایندگان تشکیل می‌دهند که به وسیله «شورای ملی تعاونیها» انتخاب شده‌اند، که خود مرکب از نمایندگان کلیه تعاونیهای سراسر کشور می‌باشد. این هیئت خط‌مشی ملی

۸- کشورهاییکه تاکنون مصوبات جدید را درباره قوانین قبلی تعاونی اعلام کرده‌اند.



تعاونی را با کمک وزارتخانه‌های ذیصلاح تعیین می‌نمایند. باین ترتیب و بسا اجرای این خطمشی در تمام سطوح، با در نظر گرفتن زمان، تعاونگران خیلی بهم نزدیکتر خواهند شد تازمانی که چنین برنامه‌ای (توسعه اقتصادی - اجتماعی) وجود نداشته باشد.

در بعضی از کشورها، مقامات دولتی نشان داده‌اند که نقش آموزش و اطلاعات تعاونی در توانمند ساختن اعضای جهت ایفاء نقش اصلی و مؤثر خود کاملاً آگاه هستند و در این مورد می‌کوشند. در اینجا است که دیگر نمی‌توان منکر اهمیت آموزش تعاون در مدارس و نقشی را که در جهت بدو شدن قوانین تعاونی دارد شد.

به‌علاوه تصمیماتی که تولید کالاهای مصرفی را در محل تشویق کند، منجر به توسعه و پیشرفت زیربنای اقتصادی خواهد شد، زیرا این کالاها جانشین کالاهای وارداتی می‌گردند و بر قدرت تولیدی داخلی افزوده می‌گردد. ضمناً تعاونیهای مصرف از معافیت‌های مالیاتی و کمک‌های دولت (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) که در اختیار نهضت قرار می‌گیرد بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر اینها، دولت با دادن کمک‌های بلاعوض، قرضه‌های بدون بهره و یا با بهره کم، و ارائه شرایط مناسب برای بازپرداخت دیون معوقه، که گاهی اوقات مبالغ هنگفتی را تشکیل می‌دهد، به تعاونیها کمک می‌کند. این کمک‌ها زمانی با ارزش و مؤثر خواهد بود که موجب تضعیف استقلال داخلی نهضت تعاونی نگردد.

اخیراً اقداماتی جهت توسعه، و توزیع کالاهای مصرفی، خصوصاً در مناطق روستایی صورت گرفته است. تبدیل تدریجی تعاونیهای کشاورزی به تعاونیهای چند منظوره یکی دیگر از گام‌های مهمی است که در این زمینه برداشته شده است. افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی باید تعاونیهای مصرف کشورهای در حال رشد را به شرکت مؤثرتر در تولید این نوع کالاها جهت برآوردن نیازهای اعضای فعلی و جمعیت روستایی که بازار وسیعی را تشکیل می‌دهند، رهنمون شود. تعاونیهای مصرف مطمئناً ناچار خواهند شد که به اصلاح «ساخت» خود بپردازند و در خطمشی استخدامی خود تجدید نظر کنند.

افزایش بازده کار تعاونیهای کشاورزی بطور هم‌زمان در بعضی از کشورها موجب شده که بخش مهمی از مواد غذایی جهت مصرف محلی و یا صادرات تأمین گردد. به‌عنوان مثال در هنگ‌کنگ، یک تعاونی کشاورزی ۸۰٪ تمام سبزیجاتی را که به تعاونیهای مصرف فروخته می‌شود عرضه می‌کند. در هند یک تعاونی لبنیات که هزاران زارع در آن سهم دارند، یکی از ۳۰ شرکت بزرگ کشور می‌باشد. تحت این شرایط آشکار است که تعاونیهای کشاورزی و مصرف نمی‌توانند برای مدت زیادی یکدیگر را نادیده بگیرند و باید طرح‌های مشترکی به منظور برآوردن نیازهای همه تعاونگران تهیه نمایند.

صرف نظر از این همکاری منظم و اصولی بین تعاونیها و اتحادیه‌های تجاری در حال افزایش است. این دو جنبش (تعاونیها و اتحادیه‌های تجاری) هر روز بیشتر از روز پیش از منافع مشترک خود و حوزه و قلمروی که باید در آن کار کنند، آگاه می‌شوند. به عنوان مثال در سمیناری که به سال ۱۹۷۰ در سنگاپور تشکیل گردید، دو پیشنهاد عمده بشرح زیر مطرح گردید و تاکید شد که باید

در اسرع وقت در کشورهای در حال رشد عملی شود:

۱- تشکیل يك شورای ملی که اعضاء آن بطور مساوی از بین اعضاء و مقامات هر دو سازمان تعیین گردند. وظایف اصلی شورا عبارتند از: تعریف و تعیین خط‌مشی مشترک برای تمام زمینه‌هایی که همکاری در آن زمینه‌ها مطلوب می‌باشد.

- ایجاد يك هیئت مشورتی به منظور تهیه برنامه‌های مشترک.
- مطالعات مقدماتی برای طرح‌هایی که باید بطور مشترک انجام شود.
- بررسی و برنامه‌های آموزشی.
- تعیین اولیتهای برای طرح‌های مشترک.

۲- تأسیس يك صندوق مشترک که در اجرای طرح‌های مشترک از آن استفاده شود. در صورت وجود بانک تعاونی که غالباً وجود دارد، ایجاد سازمانهای جدید مالی ضرورتی نخواهد داشت. و اما اقداماتی باید صورت پذیرد که اتحادیه‌های تجاری قادر شوند مقادیری سهام سرمایه‌ای بدست آورند و نیازهای خود را برطرف سازند. افرادی که در این سمینار شرکت داشتند پیشنهاد کردند که سرمایه این صندوق باید شامل سهام و ذخایر تعاونیها و اتحادیه‌های تجاری سپرده‌های سازمان‌های عضو هر دو نهضت و قرضه‌هایی که از دولت، کارفرمایان و بانک‌ها گرفته می‌شود، باشد.

در هر صورت تاکنون در این کشورها نه شورایی ملی به وجود آمده و نه صندوق مشترک. ایجاد هماهنگی بین این دو نهضت قطعاً مشکل است، اما نمی‌توان گفت که این هماهنگی نمی‌تواند به درجه‌ای شکل گیرد سازمانهایی چون «اتحادیه بین‌المللی کارگران شاغل در تجارت» قطعاً می‌توانند زمینه پیشرفت این همکاری را فراهم آورند. اتحادیه‌های تعاونی و کارگران به لحاظ موقعیت خود می‌توانند نقش مهمتری را در این مورد ایفاء نمایند. به عنوان مثال، آنها توانسته‌اند در کشورهایی چون سیریلانکا اتحادیه‌هایی با عضویت به مقیاس وسیع تشکیل دهند.